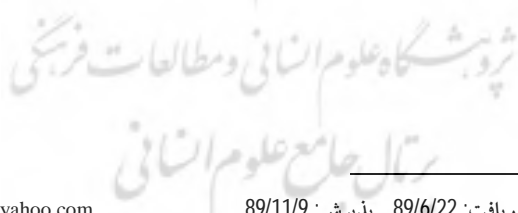


احترام به یکدیگر و نقش آن در زندگی مشترک

علی حسین زاده*

چکیده

در این تحقیق به دنبال بیان معنای احترام به همسر، شرایط لازم، موانع، نمونه‌ها و شیوه‌های احترام برای هر یک از زن و شوهر نسبت به یکدیگر و آثار آن است. هدف از این پژوهش، یافتن بهترین راهکار برای ثبات و پایداری زندگی، آرامش و نشاط اعضای خانواده، تامین مطالبات اعضا، رفع نیازمندی‌ها در ابعاد مادی و معنوی و پیدا کردن سعادت و خوشبختی است. روش تحقیق پژوهش، تحلیلی و توصیفی است که بر داده‌های دینی و روان‌شناختی مبتنی است. یافته‌های اصلی این تحقیق، ضرورت توجه به تفاوت‌ها و ویژگی‌های شخصیتی زن و مرد، توجه به سلیقه‌ها و برداشت‌های هر یک از زن و شوهر از رفتار یکدیگر و شناخت نمونه‌ها و مصادیق گوناگون احترام به همسر است. کلید واژه‌ها: مدل احترام، خانواده، همسران، زندگی مشترک، مدیریت خانواده.



مقدمه

شناخت جایگاه هر یک از زن و شوهر در زندگی مشترک، حقوقی که هر یک بر دیگری دارند و فضایی که برای آنان مطرح است، معنای احترام به همسر را مشخص می‌سازد. در این زمینه، کتاب‌های اخلاقی از جمله «محجة البیضاء» نوشته مرحوم فیض کاشانی، «جامع السعادات» نوشته مرحوم ملامهدی نراقی و «معراج السعاده» اثر مرحوم ملا احمد نراقی و سایر کتاب‌های اخلاقی به نمونه‌هایی از احترام به همسر اشاره کرده‌اند.

یکی از عوامل مهم برای همزیستی مسالمت آمیز و آرامش در زندگی، حفظ حرمت یکدیگر است. احترام به مؤمن به طور عام، زمینه‌ای مناسب برای سازگاری در زندگی اجتماعی است. در روایتی، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «المؤمن اعظم حرمة من الكعبة؛ احترام مؤمن از احترام کعبه بیشتر است».¹ بر این اساس، بی‌احترامی به مؤمن از بی‌احترامی نسبت به کعبه ناپسندتر است. به قدری این مسئله از اهمیت برخوردار است که بدن فاقد روح مؤمن را نیز باید احترام کرد؛ چرا که روزگاری این بدن با روح یک مؤمن ارتباط داشته است. گرچه اکنون بی‌جان بر زمین افتاده است. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «کان ابی یقول ان حرمة بدن المؤمن میتا کحرمة حیاً؛ پدرم امام کاظم علیه السلام می‌فرمود: احترام بدن مؤمن پس از مرگ همانند احترام آن در زمان حیات است».²

سؤالاتی که در این زمینه مطرح می‌شود، عبارت است از: چه شاخص‌هایی برای احترام وجود دارد؟ آیا مدل احترام مرد به زن، با مدل احترام زن به مرد تفاوت می‌کند؟ آیا در رفتارهای حاکی از احترام، باید به برداشت فرد از رفتار توجه کرد؟ یا اساساً احترام به انگیزه صاحب رفتار مربوط است و برداشت شخص مورد احترام نقش چندانی در انتخاب رفتار ندارد؟ و بالاخره، اینکه رفتارهای همراه با احترام چه تأثیری در زندگی دارد؟ اولین نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد؛ تفاوت‌هایی است که میان زن و مرد وجود دارد. این تفاوت‌ها می‌تواند در رفتارهای انتخابی، تأثیر آن و برداشت شخص مقابل اثر مستقیم داشته باشد. در این تحقیق، ابتدا به تفاوت‌های زن و مرد اشاره، سپس، به نوع احترام از زن و شوهر نسبت به یکدیگر و آثار آن می‌پردازیم.

تفاوت دنیای مرد و زن

برای آنکه به همسر خود احترام بگذاریم، ابتدا باید روحيات و مطالبات او را در نظر بگیریم. دنیای او را درک کنیم و بفهمیم چه رفتاری از ما برای او نماد احترام محسوب

می‌شود. حالت‌های متفاوتی که هر یک از زن و شوهر دارا هستند، نوع رفتار مورد انتظار را تعیین می‌کند. در این قسمت، به شیوه‌های متفاوت ابراز احترام همسران نسبت به یکدیگر اشاره می‌کنیم:

1. دنیای مردان استدلالی و دنیای زنان احساسی و عاطفی است. زن بیشتر نیازهای احساسی خود را می‌بیند.³ راز صمیمیت میان آنان این است که همدیگر را درک کنند و این تفاوت در دیدگاه را بپذیرند. بنابراین، پذیرش دنیای متفاوت همسران روشی برای احترام به یکدیگر است.

2. مردان به هنگام سختی و فشار دوست دارند به درون خود بروند و مشکلات را در عالم ذهن خود حل کنند. اما زنان وقتی دچار مشکل و گرفتاری می‌شوند، دوست دارند حرف بزنند. پس، هرگاه مرد مشکلی دارد یا مسئله‌ای برایش پیش آمده است، به او فرصت دهیم زمانی را در تنهایی خودش باشد. اما زمانی که زن احساس ناراحتی می‌کند یا نگرانی دارد، مرد به او فرصت دهد حرف‌هایش را بزند. زن می‌خواهد درباره دغدغه‌های فکری خویش حرف بزند و مرد بنا به طبع مردانه خویش می‌خواهد راه‌حل ارائه کند. زنان در حقیقت با حرف زدن صمیمی می‌شوند و بعد زنانه خود را تقویت می‌کنند. بنابراین، احترام به آنان آنجا نمود می‌کند که فرصتی در اختیارشان قرار دهیم تا حرف بزنند. درخواست زن این است که مرد به حرف‌هایش گوش دهد.⁴

3. زنان دوست دارند وقتی با گرفتاری و مشکل رو به رو می‌شوند، علاوه بر حرف زدن، کسی را پیدا کنند که سنگ صبورشان باشد و به حرف‌هایشان به صورت فعال گوش کند. مردان نیز دوست دارند وقتی به عالم درون ذهن خود پناه می‌برند، کسی خلوت آنان را بر هم نزنند. گوش کردن فعال به سخن زنان، از سوی مردان و راحت گذاردن مردان در خلوتگاه ذهنیشان از سوی زنان احترام متقابل به حساب می‌آید. گوش کردن فعال در تکنیک‌های مشاوره به «هنر خوب شنیدن» موسوم است.⁵ خوب گوش دادن محبت همسر را به دنبال می‌آورد.⁶

4. زنان بر اساس برخورداری شدید از دنیای احساسی، به خود حق می‌دهند که در مواردی اظهار ناراحتی کنند. مردان باید این حالت برخاسته از طبیعت آنان را تحمل کنند. این، یکی از رموز صمیمیت است. احترام به آنان به این است که حق دهید آنان ناراحت شوند و گهگاهی به آنان بگویید: طبیعی است که شما از این موضوع ناراحت باشید. گاهی

مردان به این مسئله توجه نمی‌کنند که زنان از نظر احساسی، انعطاف پذیری بیشتری دارند.⁷

5. زمانی که زنان از مشکلات خویش می‌نالند و مشکلات خود را طرح می‌کنند، نه برای این است که ضرورتاً مشکلات و مسایل آنان حل شود، بلکه حداقل درصدد تخلیه مشکلات خود هستند. مردان در این گونه مواقع، نباید نقش حلّ المسایل را داشته باشند و مطابق دنیای خود به ارایه راه حل بپردازند. آنان حداقل باید ده دقیقه با سکوت به حرف‌ها و درد دل‌های همسر خود گوش کنند و با گفتن عبارتهای کوتاهی همچون «که این طور»، «آخ»، «ناراحت شدم» و... او را به حرف زدن تشویق کنند تا روحیه و احساس خوبی به آنان دست دهد. زنان نه می‌پذیرند که همسرشان حلّ المسایل باشند و نه می‌پذیرند به طور کامل ساکت و هیچ بازخوردی به او نشان ندهد. بنابراین، احترام در چنین مواردی به همراهی با عبارتهای کوتاه معنا پیدا می‌کند. وقتی به سخنان او خوب گوش می‌کنید، او در ابتدا احساس امنیت می‌کند و در مرحله دوم، احساس پذیرش و احترام می‌کند.⁸

6. مردان وقتی از سر کار می‌آیند، دوست دارند سختی و سردی کار، با گرمی عاطفه و احساس همسران برطرف شود. پس زنان باید آنان را مورد احترام قرار دهند. اگر دیدند همسرانشان به دنیای ذهنی خود وارد شده‌اند، مدت کوتاهی به آنان کاری نداشته باشند. پس از آن، با زمینه‌سازی او را به صحبت کردن وادار کنند تا بعد زنانه در مرد تقویت شود. اینجا عواطف و احساسات فرصت بروز پیدا می‌کند. مردان اغلب وقتی نمی‌توانند احساسات خود را به صورت کلامی بیان کنند، به صورت فیزیکی نشان می‌دهند.⁹ بنابراین، زمینه‌سازی برای تغییر موقعیت یکی از نمادهای احترام به همسر تلقی می‌شود.

7. مردان نمی‌توانند در یک زمان هم حرف بزنند، هم احساس کنند و هم فکر کنند. ولی زنان هر سه فعالیت را می‌توانند همزمان با هم داشته باشند. از این رو، اگر زنی را به صحبت کردن وادار کنید، علاوه بر حرف زدن، احساس صمیمیت می‌کند و همزمان فکر می‌کند. مغز زن برای کارهای متفاوت در آن واحد شکل می‌گیرد و می‌تواند چند کار متفاوت انجام دهد.¹⁰ احترام به زنان، فرصت سخن دادن برای تحقق احساس و فکر است. ولی مردان به دلیل آنکه نیازمند اعتماد، پذیرش، قدردانی، تحسین، تأیید و تشویق هستند، چنانچه خانم‌ها به گونه‌ای رفتار کنند که آنان احساس کنند همسرانشان به آنان اعتماد

دارند، آنان را می‌پذیرند، در کارهای کوچک نیز از آنان تشکر می‌کنند و آنان را مورد تشویق و ترغیب قرار می‌دهند و احساس می‌کنند که مورد احترام واقع شده‌اند.

8. مردان به دنبال آزادی و استقلال هستند. همسران آنان نباید با حربه‌هایی که در زندگی زناشویی در اختیار دارند، مردان را زیر سلطه خود در آورند، حسن استقلال و آزادی آنان را از بین ببرند و آنان را به مهره‌ای بی‌خاصیت در مدیریت و تدبیر منزل تبدیل کنند. بنابراین، احترام به آنان در دادن حق تصمیم‌گیری و حق نظارت به آنان تحقق پیدا می‌کند.

9. مردان و زنان گاهی با فاصله گرفتن موقت و بازگشت در احساسات خود، فراز و نشیب‌هایی را ایجاد می‌کنند و از این طریق به روابط مرده خود شوکی وارد می‌کنند و آن را حیات تازه می‌بخشند. به جا است گاهی دوری‌های یکدیگر را تحمل کنید تا قدر نزدیکی را بدانید. این قدرشناسی حمایت و نزدیکی بیشتری را در آینده به دنبال خواهد داشت.

10. زنان گاهی از بیان احساسات خود گریزان هستند. هنگامی که محرم رازی پیدا کنند، احساسات خود را بروز می‌دهند. پس شما همان محرم راز باشید و اجازه دهید همسر شما به هر گونه‌ای که می‌پسندد، ابراز احساسات کند. او ممکن است گاهی خندان و گاهی گریان باشد. درک احساسات او، احترام به او تلقی می‌شود. او باید احساس کند همان‌گونه که هست، پذیرفته شده است. شما او را همان‌طور که هست، انتخاب کرده‌اید؛ نه اینکه برای خروج از وضعیت موجود و ورود به وضعیت مطلوب خواهان او شده‌اید. این بزرگ‌ترین نماد احترام به همسر است. کاری کنید که او احساس کند آن‌گونه که هست، مورد لطف و توجه شما است. شما نمی‌توانید بدون او زندگی کنید. وقتی حس کند شما او را به همین وضعیت می‌خواهی تو را محرم راز می‌داند. پس نشان بده آن‌گونه که هست، مطلوب است تا حس کند مورد احترام است.

11. توجه و تمرکز بر خوبی‌ها و نکات ارزنده زنان، آنان را مظهر ناز می‌سازد. چنان که مردانی به هر دلیل دست به خشونت بزنند، جایگاه واقعی خود را به عنوان یک مرد از دست می‌دهند و زنان را دچار بی‌حرمتی می‌کنند. با زنان درگیر نشوید که عاقبت بازنده‌اید و جز خود، نمی‌توانید کسی را ملامت کنید. پس، نگاه به خوبی‌ها و گذشت از لغزش‌ها برای زنان نوعی احترام به حساب می‌آید.

12. به جنبه‌های فیزیکی به ظاهر کوچک توجه کنید که تأثیر به سزایی در به حساب آوردن همسر دارد. آنگاه که همسران با شما حرف می‌زند، بسیار ملیح در چشمانش نگاه کنید و تا حرف او تمام نشده است، مژه بر هم نزنید، عبوس نباشید و همیشه کمی خنده بر لب داشته باشید. خنده، تلخی زندگی را شیرین می‌کند. به لباس، تیپ و قیافه‌ای که او دوست دارد، توجه کنید و رنگ دل‌خواه او را بر تن کنید.

13. گاهی اجازه دهید او احساس کند که برنده شده است. همه چیز نشان می‌دهد که او پیروز میدان است. این احساس، ذره‌ای از بزرگی شما نمی‌کاهد. اما برای او حس داشتن جایگاه ایجاد می‌کند. مطمئن باشید در میان ما انسان‌های عادی، برنده کسی است که گاهی هم بازنده باشد. ما با در نظر گرفتن شکست‌ها به پیروزی‌های بزرگ می‌رسیم و با افتادگان راه رفتن را می‌آموزیم.

14. زنان بیش از آنکه با تحلیل و تشخیص روابط علی، معلولی که یک کار فکری است، احترام را درک کنند، با حس شنوایی، بینایی و لامسه احترام را درک می‌کنند. از گفتن عبارت «دوستت دارم» غافل نشوید. سخنان عاشقانه بزنید، با او بخندید، با او راه بروید و او را در آغوش بگیرید. هرگز این گونه فکر نکنید که گفتن عبارت عاشقانه لازم نیست. او اگر کمی تأمل کند، خود خواهد فهمید که من به او احترام می‌گذارم و او را دوست دارم. این گونه فکر نکنید و حتماً صمیمیت و دوستی را به زبان بیاورید و نمادهای آن را بروز دهید.

15. احساس مالکیت در روابط جنسی و کسب لذت یک سویه برای مرد تفکری جاهلانه است. شما باید همسران را برای لذت جنسی آماده کنید و برای همسران آن گونه آماده شوید که دوست دارید او خودش را برای شما آماده کند. بعضی از زنان تصور می‌کنند که مردان آنان را برای کام‌جویی خود می‌خواهند و این را کاملاً بی‌حرمتی به خود تلقی می‌کنند و خود را کالای بی‌اراده برای خوش گذرانی شوهر می‌بینند. شما وظیفه دارید این تلقی نادرست را عوض کنید. به فرموده استاد علامه حسن‌زاده نکاح برای ایجاد صورت انسانی است، نه اطفای شهوت حیوانی. مقامات زن در عرفان بسیار متعالی است. او برای سلوک، به شهود نزدیک‌تر است و مظهر اسم خالق و مخلوق است.¹¹ پس، توجه به روابط انسانی حتی در آمیزش جنسی، به حساب آوردن زن و احترام به او تلقی می‌شود.

16. به او اجازه فعالیت دهید و تا کاری مضرّ به حال او یا مخلّ به زندگی مشترک نیست، از آن منع نکنید. پای همسر را از خانه پدر و مادرش نبرید و گرنه او هرگز شما را نخواهد بخشید. او این برخورد را توهین بزرگی به خود تلقی می‌کند. به خصوص در زمان بارداری، زنان به مادران خود نیاز فراوان دارند. اجازه فعالیت به او و توجه به خانواده او، به خصوص مادرش نمادی از احترام به او است.

17. زنان باید مردان را بزرگ جلوه دهند. وقتی آنان کاری را انجام می‌دهند، اجازه دهید تصور کنند که بی‌نظیر هستند. از آنان ایراد نگیرید، به آنان سرکوفت نزنید و از کار و مهارتشان تعریف کنید تا در دل آنان نفوذ کنید. به آنان فرصت دهید پیش شما از خودشان تعریف کنند. بگذارید گاهی پز بدهند. عزّت نفس برای مرد بسیار لازم است. به گونه‌ای با او رفتار کنید که این حس از او گرفته نشود. او نباید خود را بی‌محل و دور از موقعیت بداند، بلکه باید حس کند جایگاه و خریدار دارد و همسرش در کارها نظر او را جویا می‌شود. مردان این را احترام به خود تلقی می‌کنند. به آنان بگویید که شما بهترین شوهر دنیا هستید و خوشا به حال من که تو را دارم.

18. هرگز همسر خود را با دیگران مقایسه نکنیم. از برشمردن محاسن دیگران در برابر او خودداری کنیم. این رفتار به رابطه حسنه میان همسران آسیب وارد می‌کند. همسر ما انسانی منحصر به فرد است و دارای ویژگی‌های شخصیتی مثبت و منفی، که قابل مقایسه با هیچ فرد دیگری نیست. او مقایسه کردن خود با دیگران از سوی شما را نتیجه بی‌حرمتی و فقدان جایگاه می‌داند. شما می‌توانید در مواقع ضروری او را با خودش و گذشته او مقایسه نمایید.¹² این کار، بر حرمت او می‌افزاید و زمینه تفاهم را زیاد می‌کند.

اگر بتوانیم خود را جای او بگذاریم، به گونه‌ای که نحوه تفکر و بینش او را نسبت به مسایل موجود در زندگی عیناً درک کنیم و از دیدگاه او به مسایل و دنیا بنگریم، به تفاهم با همسر خود نزدیک می‌شویم. در چنین موقعیتی، رابطه نیکو به مفهوم عمیق آن بر زندگی ما سایه می‌افکند. نماد این تفکر احترام به یکدیگر است. این شاخص بیانگر احساس ارزشی است که شما برای همسران در خلوت و در حضور دیگران دارید. اگر از زاویه نگاه او مسایل را ببینید، در مواردی که همفکر و همدل هستید، آنان را با تصدیق و تأیید تقویت می‌کنید و در مواردی که نتیجه آن را مطالب بی‌جا و غیر ضروری می‌بینید، او را با سکوت و پیشنهاد خویش، به مسیر گفت و گویای مفید و سازنده باز می‌گردانید. زمانی که

همسران در میان جمع صحبت می‌کند، هیچ‌گاه تأثیر سخن او را از بین نبرید. از بدترین همسران، کسانی هستند که بلافاصله پس از سخن همسر، با این تصور که با او راحت هستند، موضع‌گیری کنند و اثر سخن او را در برابر دیگران خنثی کنند. هر چه مرد بیشتر از همسرش حمایت کند اعتماد او را بیشتر جلب می‌کند.¹³

احترام زن و شوهر نسبت به یکدیگر در آیین مقدس اسلام به صورت ویژه مورد توجه است که در دو بخش بدان اشاره می‌کنیم. نمادهای احترام هر یک از زن و شوهر نسبت به یکدیگر را جداگانه بررسی می‌کنیم:

الف. احترام زن و شوهر نسبت به یکدیگر

نمونه‌هایی از احترام همسران نسبت به یکدیگر عبارت است از:

۱. تقسیم کار

در بخشی از مناطق، سنت رایج این است که همه کارهای زندگی را زن انجام می‌دهد. مردها در حلقه‌های مردانه خود مشغول تفریح و گشت و گذار هستند. این نوع زندگی در آیین مقدس اسلام مطلوب نیست. اساساً نباید چنین ذهنیتی برای مردان وجود داشته باشد که در کارهای زندگی احساس مسئولیت نداشته باشند و تمام کارها را به دوش زنان قرار دهند. بالاخره، زندگی از کارهای بیرون و درون منزل ترکیب شده است و زن و مرد باید بخشی از آن را متکفل شوند. بهترین شیوه تقسیم کار از دیدگاه اسلام این است که مرد کارهای خارج از منزل و زن کارهای درون آن را متکفل شوند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «تَفَاضَى عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي الْخِدْمَةِ فَفَضَى عَلِيٌّ فَاطِمَةَ بِخِدْمَتِهَا مَادُونَ الْبَابِ وَ قَضَى عَلِيٌّ عَلِيٌّ بِمَا خَلْفَهُ؛¹⁴ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ ﷺ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ دَرَبَارَةَ خِدْمَتِ دَرُونَ خِدْمَتِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ ﷺ دَرُونَ خِدْمَتِ عَلِيٍّ بِمَنْزِلِ الْبَيْتِ وَ فَاطِمَةُ ﷺ دَرُونَ خِدْمَتِ عَلِيٍّ بِمَنْزِلِ الْبَيْتِ».

زن با تقسیم کار احساس می‌کند که در زندگی جایگاهی دارد و فقط تکلیف ندارد تا همه کارهای خانه به دوش او باشد. هم تکلیف دارد و هم حق دارد و باید حرمتش حفظ شود.

۲. نادیده گرفتن خطاها

زنانی که در پی اثبات حقانیت خود هستند و مسائل را از زاویه حقوقی پیگیری می‌کنند و به جنبه‌های اخلاقی توجه چندانی ندارند، در رفتارهای روزمره زندگی نیز آرامش لازم را

ندارند. آنان لازم است آنجا که خودشان خطایی را مرتکب شده‌اند و یا جایی که شوهرشان رفتار اشتباهی از خود نشان داده است، برای همدلی پیش قدم شوند. احترامی که از زن نسبت به مرد انتظار می‌رود، یعنی کسی که مظهر عطوفت الهی است، همین است که فداکاری کند و برای سازگاری قدم پیش نهد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خیر نسائکم التی ان غضبت او أغضبت قالت لزوجها یدی فی یدک لاأکتحل بغمض حتی ترضی عنی؛ بهترین زنان شما زنی است که اگر غضب کرد یا از سوی شوهر مورد غضب قرار گرفت، به شوهرش بگوید: خواب به چشمان من نمی‌آید، مگر اینکه تو از من راضی شوی، حتی جایی که رفتار مرد باعث بحث و جدل میان زن و شوهر شده است.¹⁵ با این حال، فضیلت زن به این است که برای فروکش دادن غضب پیش قدم شود.

۳. دوری از خشونت

شخصیت زن به قدری ظریف و لطیف است که حتی در صورتی که نقصی در رفتارهایش باشد، عمدتاً نمی‌توان در برابر او خشونت روا داشت. برخورد کریمانه و برخاسته از پایگاه عطوفت برای تربیت و زندگی با او امری ضروری است. برای اینکه دچار برخوردی خشونت‌آمیز نشویم، به چند نکته باید توجه کرد:

الف. کسی که در زندگی به رفع نواقص همسرش می‌پردازد و به گمان او در این زمینه می‌توان از خشونت استفاده کرد، کمی فکر کند. ببیند آیا خودش نقصی ندارد؟ اگر نقصی یا نواقصی دارد، آیا دوست دارد دیگران برای هدایت او به سوی کمال، از برخوردهای خشونت‌آمیز استفاده کنند؟ جای تعجب است که کسانی این برخوردها را از دیگران در باره خود نمی‌پسندند، ولی از خود در باره دیگران می‌پسندند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أنتی أتعجب ممّن یضرب امرأته و هو بالضرب اولی؛ من از کسی که همسرش را می‌زند، در حالی که خودش به کتک خوردن سزاوارتر است، تعجب می‌کنم».¹⁶

پس برای اینکه دچار رفتار خشونت‌آمیز نشویم، باید به نواقص خود فکر کنیم. به این نکته بیندیشیم که ما از برخوردهای خشونت‌آمیز دیگران در برابر خودمان ناخرسندیم.

ب. به آینده خود بیندیشیم. بینیم پس از این رفتار خشونت‌آمیز، چه انتظاراتی از او داریم. مسایل عاطفی و قلبی با اکراه سازگار نیست. اگر انتظار داریم او به عنوان یک انسان با انس خود با ما مواجه شود، نه همچون یک مجسمه بی روح، بدانیم به فرض اینکه او

دچار اشتباهی شده باشد، برخورد خشونت‌آمیز اجازه نمی‌دهد، دل او نسبت به ما مرکز عطف و مهربانی باشد. ما پس از این رفتارها نیز باید با هم زندگی مشترک داشته باشیم. با چگونه می‌توان به صورت یکدیگر نگاه کرد. انتظار لبخند داشته باشیم، برای او نسبت به خودمان ذهنیت مثبتی تصور کنیم و زندگی را کانون محبت ببینیم؟! از سوی دیگر، ببیندیم که خودمان پس از این برخورد خشن، می‌خواهیم با او چه مواجهه‌ای داشته باشیم. آیا در یک سری خواسته‌ها و التذادی که طالب آن هستیم، از او دوری خواهیم کرد، یا غیر انسانی به ارضای خود می‌اندیشیم؟ پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «أَيضْرِبُ أَحَدَكُمْ الْمَرْأَةَ ثُمَّ يَظِلُّ مَعَانِقَهَا؛ آیا کسی از شما همسر خود را می‌زند سپس با او همبستر می‌شود و بر گردن او سایه می‌افکند؟!»¹⁷

آیا خجالت نمی‌کشد با آن پیشینه رفتاری خود، چنین کاری را انجام دهد؟! قرآن کریم حتی در باره زنانی که بیم سرکشی از آنان می‌رود، می‌فرماید: «آنان را موعظه کنید، در بسترها از آنان دوری گزینید و آنان را بزیند. (نساء: 34)

بحث تفصیلی در زمینه تربیتی و حقوق این آیه را باید در تفاسیر و کتاب‌های تربیتی جستجو کرد. اما به اجمال می‌توان گفت: مسلماً منظور از «ضرب» در آیه، نوع متداول آن، که در تعزیرات و حدود مطرح شده است، نیست. در تعزیرات و حدود طبیعی است که بدن فرد آسیب می‌بیند، سیاه می‌شود، گاهی جراحی بر می‌دارد. این در بحث حدود و تعزیرات طبیعی است. اما در زندگی مشترک، مرد حق ندارد این گونه رفتار کند. چنان که با زدن زن، بدن او را کبود یا سیاه شود، مرتکب خلاف شده است. حتی اگر کاری کند که بدن او سرخ شود، مسئول است و باید کفاره آن را بدهد و کار خود را جبران کند. پس معلوم می‌شود مراد از زدن، نوعی اظهار رنجش از سوی مرد نسبت به رفتار همسر است. زن از هر نوع برخوردی از سوی مرد، باید احساس کند رفتار او برای مرد غیر منتظره بوده است. مرد می‌خواهد زن را آگاه کند که نقش او طنّازی و دل‌ربایی است، باید دل مرد را به دست آورد و مرد را شیفته خود سازد. اما او در این پُست ناموفق عمل کرده است. مرد در صدد نیست که با این رفتار جسم و پوست یا روح او را بیازارد، بلکه در صدد است او را به لحاظ روانی با زندگی سازگار کند. زن باید به جایی برسد که خود را نبخشد تا با تغییر رفتارش به خواسته مرد خود لباس عمل بپوشاند.

هدف از زدن اعمال قدرت و درهم کوبیدن جسم نحیف و اندام لطیف زن نیست،¹⁸ بلکه منظور آیه، زدن او در پایین‌ترین مراتب است. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که «انه الضرب بالسواک»¹⁹ مقصود از این ضرب، زدن با مسواک است و این نمادی است که به روشنی نشان می‌دهد که مرد از رفتار زن ناراحت شده است و اصلاً آزردن جسم زن مطرح نیست.

امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «فداروهنّ علی کل حال؛ در همه حال، با زنان مدارا کنید».²⁰

در جایی دیگر حضرت می‌فرماید: «فدارها علی کل حال و أحسن الصحبة لها لیصفو عیشک؛ مرد در هر حال باید با زن مدارا کند و همدمی با او را نیکو قرار دهد تا زندگی او را صفا و صمیمیت فراگیرد».²¹

قرار نیست ما با آنها بر اساس مقررات و قوانین حقوقی و خشک برخورد کنیم و در برابر رفتار ناپسند آنان از نیروی قهریه خود بهره بگیریم.

ب. احترام همسر نسبت به زن

نمونه‌هایی از احترام همسر نسبت به زن عبارت است از :

۱. گوش دادن فعال

رفتارها به صورت کلیشه‌ای و ثابت در همه جا تکریم به محسوب نمی‌شود. گاهی سکوت در برابر یک نفر، تکریم است و گاهی با او هم زبان شدن و سکوت را شکستن تکریم به حساب می‌آید. احترام به یک دانشمند بزرگ، این است که مؤدب در برابر او بنشیند، فراوان سؤال نکند، منتظر بمانی تا از ناحیه او درسی و هدیه‌ای به تو برسد. در حالی که، وقتی در برابر یک فرد عادی قرار می‌گیری، تکرار بخشی از جملات او و تکمیل جملات ناقص او، می‌تواند بیانگر توجه شما به او و سخنانش باشد. پس نمی‌توان به طور مطلق گفت: سکوت کردن یا سخن گفتن، کدام نشانه تکریم و احترام است. هر یک در جایگاه خودش می‌تواند نشانه احترام باشد.

دانشجویی هنگام سخن گفتن استاد خود، تلاش می‌کرد با تکمیل جملات استاد و همراهی با او، نشان دهد سخنان استاد را خوب می‌فهمد. استاد بزرگوارش این رفتار را پسندیده ندانست و به او فرمود: «شما بهتر است بیش از آنکه زبانتان را به کار گیرید،

گوش خود را استخدام کنید.» این در حالی است که بسیاری از افراد عادی ممکن است چنین بازخوردی را از شنونده، نشانه توجه به خود تلقی کنند.

در برخورد با زن نیز مرد باید تکریم متناسب با روحیات او را در نظر بگیرد و آن را به جا آورد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «من اتَّخَذَ امْرَأَةً فَلْيُكْرِمَهَا فَإِنَّهَا امْرَأَةٌ أَحَدُكُمْ لَعِبَةٌ فَمَنْ اتَّخَذَهَا فَلَا يَضِيْعُهَا؛ هر کس همسری برمی‌گزیند، باید او را تکریم کند. همانا زنان شما طَنَاز و دلربا هستند. هر کس با آنان ازدواج کرد، نباید آنان را ضایع کند.»²²

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که حضرت فرمودند: «از جوانمردی است که برادر به گفته برادر خویش گوش فرا دهد».²³ وقتی در برابر یک برادر دینی گوش دادن جوانمردی است، قطعاً در زندگی مشترک با توجه به دستوراتی که حضرت برای حسن خلق و رعایت آداب در میان زن و شوهر صادر فرموده است، گوش دادن یک فضیلت اخلاقی محسوب می‌شود.

روحیه زن را کدر کردن، طراوت و شادابی را از او گرفتن، حالت سکوت جبری بر او حاکم کردن و او را در پستی غیر از پست حقیقی خود به کار گرفتن، تضییع حقوق او است. از او می‌توان انتظار طَنَازی و دلربایی داشت. چنان که او را به کارهای سخت واداریم، انتظارات مردانه از او داشته باشیم، از او بخواهیم به کلیات فکر کند و جزئی‌نگر نباشد یا به ظواهر توجه نکند و عمق مسایل را ببیند. در حقیقت، او را تضییع کرده‌ایم. باید او را در همان ساختاری که هست، به سوی خوشبختی سوق داد. ما باید بگذاریم او به جزئیات بیندیشد. اما به نمونه‌هایی از جزئیات او را هدایت کنیم که به کمال او منتهی می‌شود.

۲. توجه به خواسته زن

هر کس به طور طبیعی می‌تواند خواسته و سلیقه‌ای داشته باشد و در امور فردی مطابق آن تصمیم‌گیری نماید. اما در زندگی مشترک، به دلیل اجتماعی بودن نهاد خانواده، ضرورت دارد که افراد به خواسته‌های یکدیگر توجه نموده و احترام بگذارند. این دقت‌ها احترام به علائق و سلايق دیگران را نشان می‌دهد. ممکن است مردی قبل از تشکیل زندگی مشترک، تنها به خواسته‌های خود در نوع غذا، لباس و... توجه داشته باشد، ولی اکنون پس از ازدواج، حتماً باید به خواسته‌های همسر و سایر افراد خانواده توجه کند. امام صادق علیه السلام از

پیامبر اکرم ﷺ نقل می‌کند که حضرت فرمود: «المؤمن يأكل بشهوة أهله و المناق يأكل أهله بشهوته؛ مؤمن مطابق میل خانواده‌اش غذا می‌خورد و منافق خانواده‌اش مطابق با میل او غذا می‌خورند».²⁴

در نظر گرفتن میل و خواسته کسانی که زیر مجموعه مدیریتی یک فرد به حساب می‌آیند، احترام به آنان تلقی می‌شود و اسلام این نوع تکریم و احترام را مطلوب دانسته و از نشانه‌های مؤمن برشمرده است. امیر المؤمنین علیه السلام در زمینه مراعات این مسئله می‌فرماید: «ان النساء عند الرجال لا يملكن لانفسهن ضرراً و لا نفعاً و انهن امانة الله عندكم فلا تضاروهن و لا تعضلوهن؛ سود و زیان زنان در اختیار مردان است. به درستی که آنان امانت خدا نزد شما هستند. پس به آنان ضرر وارد نسازید و از روی ظلم، آنان را محبوس نکنید».²⁵

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «رحم الله عبدا أحسن فيما بينه و بين زوجته فان الله عزوجل قد ملكه ناصيتها و جعله القيم عليها؛ خدا رحمت کند بنده‌ای را که رابطه میان خود و همسرش را نیکو قرار دهد. به درستی که خداوند امور همسر را در اختیار مرد و مرد را سیاستگذار امور همسر خود قرار داده است».²⁶

ج. احترام زن نسبت به شوهر

برای احترام زن نسبت به شوهر نیز نمونه‌هایی است که به برخی از آنان اشاره می‌کنیم:

۱. پذیرش مدیریت شوهر

یکی از عوامل سازگاری، تدبیر مرد برای ایجاد زمینه‌های مناسب سازگاری و از بین بردن زمینه‌های نامناسب آن است. چنان که زن مدیریت مرد را پذیرفته باشد، در حقیقت حق او را پاس داشته است. البته زمانی از این پذیرش خرسند خواهد بود که اولاً، با انگیزه الهی این کار را انجام دهد و ثانیاً، در زمان انتخاب همسر به شاخص‌های انتخاب همسر و تحقیق لازم در تحقق شاخص‌ها کوتاهی نکرده باشد. در چنین صورتی، با طیب خاطر به مدیریت مرد تن می‌دهد. معروف است که پیش‌گیری همواره بر درمان مقدم است. البته چنان که این مهم مورد توجه قرار نگرفته باشد، مرد با کار دشواری روبه‌رو است و باید همه حزم و عزم خود را برای مدیریت زندگی به کار بندد. آیین اسلام مرد را موظف ساخته است تا با مدیریت صحیح زمینه حرکت خانواده به سوی آرامش و سازگاری هر چه بیشتر را فراهم سازد. طبیعتاً مدیریت عمدتاً در زمان‌های بحران و در موارد مشتبه خود

را نشان می‌دهد. در مسایل خانوادگی تولید زمینه‌های مناسب برای زندگی مطلوب و حذف زمینه‌های کدورت ضروری است. این مهم، با تدبیر و مدیریت مرد حاصل می‌شود. بخشی از زمینه‌های مولد سازگاری، به حسن تدبیر و مدیریت مرد وابسته است.

به عنوان مثال، برای حفظ آرامش و امنیت در زندگی، مرد باید با مدیریت خود بسترهای شک و تردید را از زندگی حذف کند. یکی از ویروس‌های خانمان سوز در میان خانواده‌ها، پیدا شدن ذهنیت‌های منفی در وجود اعضای خانواده است که در پی حرکات و فعالیت‌های مشکوک هر یک از افراد خانواده می‌تواند ایجاد شود. برای مقابله با این ویروس و تثبیت آرامش در زندگی، لازم است شک زدایی کنیم. این امر محقق نمی‌شود مگر آنکه فضاهای جذب و کشش در محدوده خاصی قرار گیرد و مرد با مدیریت خود از اختلاط‌های بی‌مورد جلوگیری کند. امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «خُلِقَ الرَّجَالُ مِنَ الْأَرْضِ وَ أُنْمَا هَمَّهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ خُلِقَتِ الْمَرْأَةُ مِنَ الرَّجَالِ وَ أُنْمَا هَمُّهَا فِي الرَّجَالِ فَاجِسُوا نِسَاءَكُمْ يَا مَعْشَرَ الرَّجَالِ؛ مردان از زمین خلق شده‌اند و همانا اهتمام آنان در زمین است و زنان از مردان آفریده شده و همانا اهتمام آنان در مردان است. پس ای مردان، زنانتان را حفظ کنید».²⁷ این روایت نشان می‌دهد حرکت مردان به سوی جمع‌آوری املاک و توجه آنان به کار و تلاش، برای پیدا کردن ثروت بیشتر، امری طبیعی است. البته نباید افراط کنند و سایر وظایف خود را نادیده انگارند. از سوی دیگر، زن همه هم خود را صرف مرد می‌کند؛ چون از او آفریده شده است. این اهتمام عمدتاً در دلربایی و دلبری مرد است و روابط جنسی در اغلب موارد، پس از دلربایی شکل می‌گیرد. به همین دلیل، زنان نسبت به مردان اهتمام ویژه دارند. در حالی که، باید اهتمامشان را محدود کرد تا فساد بی‌وجود نیاید. حضرت علی علیه السلام در نامه‌ای به فرزند گرامی خود امام مجتبی علیه السلام فرمودند: «وَ أَكْفِفْ عَلِيَّهِنَ مِنَ ابْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكِ أَيُّهَا، فَان شِدَّةَ الْحِجَابِ ابْقِي عَلِيَّهِنَ وَ لَيْسَ خُرُوجِهِنَّ بِأَشَدَّ مِنْ ادْخَالِكِ مِنْ لَأَيُوثٍ بِه عَلِيَّهِنَ وَ ان اسْتَطَعْتَ أَلَّا يَعْرِفْنَ غَيْرَكَ فَافْعَلْ؛ از طریق حجاب مشاهده زنان را بپوشان! زیرا حجاب و پوشش، آنان را سالم‌تر و پاک‌تر نگاه خواهد داشت؛ خارج شدن و بیرون رفتن آنان بدتر از این نیست که افراد غیر مطمئن را در میان آنان راه دهی. اگر بتوانی کاری کنی که آنان غیر از تو دیگری را نشناسند، این کار را بکن».²⁸ حفظ حریم میان زنان و مردان، زمینه‌های جذب و انجذاب را در محدوده مثبت نگه می‌دارد و از پیدایش روابط

منفی جلوگیری می‌کند. به ناچار، به جهت اهمیتی که زنان در دلربایی و محبوبیت طلبی ویژه دارند، برای حفظ سلامت زندگی باید این زمینه را ایجاد کرد. و نمی‌توان هر گونه اختلاطی میان افراد را اجازه داد و به سلامت زندگی اندیشید. وظیفه مردان است که تدبیر کنند و چنین فضاهایی را بسازند.

نکته

بی‌شک احترام مرد نسبت به زن و احترام زن نسبت به مرد در زندگی لازم و ضروری است و صفای زندگی به احترام متقابل است. اما از یک نکته نباید غافل ماند که احترام و اطاعت دو مقوله از هم جدا است. هر یک جداگانه باید مورد بحث قرار گیرد. درباره پدر و مادر به هر دو مقوله توصیه شده است. ولی با این حال اطاعت و احترام دو مقوله هستند و از ویژگی‌های خاص خود برخوردارند. احترام به پدر و مادر هیچ قید و شرطی ندارد. در برابر پدر و مادر هر نوع اعتقادی که داشته باشند و هر نوع رفتاری که انجام دهند، باید احترام کرد. در حالی که اطاعت از آنان بی‌قید و شرط نیست. چنان که اعتقادات آنان صحیح نبود، یا رفتار آنان مطلوب دین نبود، نه تنها فرزند مأمور به تبعیت و اطاعت از آنان نیست، بلکه از آن اعتقاد و رفتار باید دوری کند.

اطاعت نقطه مرتبط با مدیریت است. کسی که مدیریت مرد را می‌پذیرد، باید از او اطاعت کند. البته این اطاعت در محدوده‌ای است که خداوند به مرد حق مدیریت داده است. مرد که بااصاله حق مدیریت ندارد، حقی که پیدا کرده، همچون سایر حقوق از سوی خداوند برای او قرار داده شده است. پس در محدوده جعل و قرارداد قابل اجرا است. چنانچه مرد به امور ناصحیح چه اعتقادی و چه رفتاری امر کند، امر او مطاع نیست، و زن وظیفه دارد با برخوردی محترمانه با او مواجه شود و از فرمان او سرپیچی کند. همچنین مرد حق ندارد انتظار داشته باشد زن همه دستورات او را عمل کند. بعضی از دستورات ممکن است فی حد نفسه بدون اشکال باشد، اما زن ملزم به اطاعت نیست. به عنوان مثال، مرد نمی‌تواند زن خود را مجبور کند که کار کند یا حتماً با او به خانه مادر شوهر یا اقوام مرد برود.

برای شوهر نسبت به زن نیز توصیه‌های دینی، به هر دو مقوله احترام و اطاعت تعلق نگرفته است. در متون دینی به مرد توصیه شده است که به زن احترام بگذارد. اما به اطاعت

از زن و پیروی از او توصیه نشده است. اسلام می‌خواهد این انتظار و توقع در وجود زن شکل نگیرد که شوهرش از او پیروی کند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «شکی رجلٌ من اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام فقام علیه السلام خطیباً فقال معاشر الناس لاتطیعوا النساء علی حال؛ مردی از اصحاب امیر المؤمنان از زنان خود شکایت کرد. پس حضرت خطاب به مردم کرد و فرمود: ای مردم، در هیچ حالی از زنانان پیروی نکنید».²⁹

در دستورات دینی پیروی از زنان توصیه نشده است. البته چنانچه زن به رفتاری اظهار تمایل کند و مرد منفعت و بهره دنیوی و اخروی آن را درک کند یا زن سخن پسندیده‌ای بگوید و مرد از باب عمل نیک آن را انجام دهد، کار معقول و مطلوبی انجام داده است. این از مقوله اطاعت بیرون است. صحیح نیست که زن مسئله احترام به خود از سوی مرد را با عمل کردن او به خواسته‌هایش گره بزند و انتظار داشته باشد، هر چه گفت و به نظرش صحیح آمد، حتماً مرد بدان پایبند باشد.

اساساً اسلام مدیریت و تدبیر امور مربوط به خانواده را به مرد واگذارده است. امام امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «کل امریءٌ تُدبّرهُ امرأةٌ فهو ملعون؛ هر مردی که تدبیر کارش به دست زن باشد، ملعون است».³⁰

بنابراین، میان احترام و اطاعت رابطه ضروری وجود ندارد. اسلام به احترام مردان نسبت به زنان و در مقابل احترام زنان به مردان فراوان توصیه کرده است. چنان که انتظارات نا به جا در حاشیه آن مطرح نگردد. این توصیه می‌تواند کارکرد خوبی در سازگاری میان همسران داشته باشد. نباید چنین تصور کنیم که مگر می‌شود انسان برای کسی احترام قائل باشد و به حرف او عمل نکند. آری می‌توان چنین کرد، چون مقوله احترام از مقوله اطاعت جدا است و ارتباط ضروری میان آن دو وجود ندارد.

۲. استقبال و همراهی

یکی از رفتارهایی که از ناحیه زن نسبت به شوهر تکریم به شمار می‌آید، این است که وقتی مرد وارد منزل می‌شود. زن به استقبال او برود و وقتی از خانه خارج می‌شود او را همراهی کند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: همسری دارم که وقتی وارد منزل می‌شوم، به پیشواز من می‌آید و وقتی از خانه خارج می‌شوم مرا مشایعت و همراهی می‌کند. حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: «ان لله عمالاً و هذه من عماله، لها

نصف آجر شهید؛ به درستی که خداوند را کارگزارنی است و این زن از کارگزاران خدا است که نیمی از اجر و پاداش شهید را با این کار به دست می‌آورد».³¹

همراهی کردن، به استقبال رفتن، در آغوش گرفتن و ... از ناحیه زن نسبت به شوهر، دارای چنین اثری است که برای او نیمی از اجر شهید داده می‌شود و از نظر اسلام این پاداش بسیار مطلوب است. خانم‌ها در ارایه چنین احترام‌هایی نباید به خود تردید راه دهند و در درستی کارشان شک کنند یا خجالت بکشند و حیا از خود نشان دهند، چرا که این حیا عاقلانه نیست و اسلام به شکستن چنین حیایی دستور داده است

پیامدهای برخورد احترام‌آمیز با همسر

اینک به بعضی از آثار و پیامدهای برخورد احترام‌آمیز با همسر اشاره می‌کنیم:

۱. بهره‌مندی أُخروی

مؤمن به این دلیل که از زیرکی و حکمت برخوردار است، تلاش می‌کند رفتارهایی را انجام دهد که در عین سادگی و آسانی از پاداش و ارزش بالایی برخوردار باشد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ما من امرأة تسقى زوجها شربة من ماء الا كان خيراً لها من عبادة سنة صيام نهارها و قيام ليلها و يبنى الله لها بكل شربة تسقى زوجها مدينة في الجنة و غفر لها ستين خطيئة؛ هیچ زنی نیست که شوهرش را یک بار آب دهد، مگر اینکه این رفتار برای او از عبادت یک سال که روزهایش روزه و شب‌هایش به شب زنده داری مشغول باشد، بهتر است و خداوند به عوض هر بار که شوهرش را آب می‌دهد، شهری در بهشت برای او بنا می‌کند و شصت گناه از او می‌آمرزد».³²

با چه فعالیت‌هایی می‌توان این قدر بهره‌مندی أُخروی کسب کرد؟! در برابر یک رفتار ساده و طبیعی، خداوند متعال این قدر بهره نصیب زن می‌سازد.

۲. بهره‌مندی دنیوی

نه تنها با چنین احسانی انسان از نعمت‌های أُخروی بهره‌مند می‌شود، بلکه در همین دنیا نیز از برکاتی برخوردار می‌گردد. طول عمر خواسته نوع انسان‌ها است. به طور طبیعی، هر کس به زندگی و حیات میل فطری دارد. زندگی و حیات به خودی خود، به دور از عوارض و مسایل جانبی برای هر کس دل‌خواه است. اگر از همین زاویه نگاه کنیم، همه طالب حیات

هستیم. حال باید رفتارهایی را جستجو کنیم که می‌تواند حیات انسان را طولانی کند. آگاهی از این نوع رفتارها با توجه به خواسته‌ای که در انسان وجود دارد، او را به انجام کار برمی‌انگیزد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «من حسن برّه باهله زاد الله فی عمره؛ کسی که خوب به اهل خود نیکی کند، خداوند عمر او را افزایش می‌دهد».³³

زن و شوهر با تکیه بر این اطلاعات، که از ناحیه معصومان علیهم السلام به ما رسیده است، در صدد برمی‌آیند به یکدیگر احترام بگذارند و نیکی کنند تا از این نتایج مثبت برخوردار گردند.

نتیجه‌گیری

توجه به حفظ حرمت زن و شوهر در برخورد با یکدیگر و نگه داشتن حریم هر یک توسط دیگری از مهم‌ترین عوامل زندگی مشترک سالم و با نشاط است. برای رسیدن به این مهم، اولین شرط لازم، شناخت صحیح زن و مرد از یکدیگر است. دنیای زن و مرد متفاوت است. روحیه‌ها، سلیقه‌ها، برداشت‌ها و خواسته‌های متفاوت آنان، اقتضا می‌کند برای احترام هر یک نسبت به دیگری همدیگر را خوب بشناسند تا بتوانند به خوبی همدیگر را درک کنند و پیام رفتار و گفتار او را درست دریافت نمایند. بر این اساس، الگوی احترام هر یک نسبت به دیگری، به خاطر همین تفاوت‌ها یکسان نخواهد بود. تفاوت وظایف و نقش زن و مرد در زندگی ناشی از همین تفاوت‌ها است. آگاهی از آثار و برکات احترام زن و شوهر نسبت به یکدیگر، انگیزه انجام رفتارهای حاکی از احترام را در میان آنان افزایش می‌دهد.

پی‌نوشت‌ها

1. محمد باقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج 64، ص 71.
2. محمد بن الحسن طوسی، *تهذیب الاحکام*، ج 1، ص 445.
3. جان گری، *خواستۀ زن‌ها، خواستۀ مردها*، ترجمه رامین شهبازی، ص 279.
4. همان، ص 17.
5. محمدرضا شرفی، *خانواده متعادل (آناتومی خانواده)*، ص 64.
6. قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرَّضَاعُ إِنَّ الصُّمْتَ يَكْسِبُ الْمَحَبَّةَ مُحَمَّدَ بْنَ يَعْقُوبَ كَلِينِي، همان، ج 4: ص 286.
7. باربارا دو آنجلس، *دفترچه راهنمای طرز استفاده از مردان*، ترجمه مریم زرینی، تهران، نشر آسیم، 1384، ص 147.
8. الصُّمْتَ يَكْسِبُ الْمَحَبَّةَ مُحَمَّدَ بْنَ يَعْقُوبَ كَلِينِي، همان، ج 4: ص 286.
9. باربارا، دو آنجلس، همان، ص 156.
10. جان گری، *نیاز زن‌ها، همان*، ص 83؛ آلن و باربارا پیز، *آن چه زنان و مردان نمی‌دانند*، ترجمه زهرا افتخاری، تهران، نواندیش، 1384، ص 87.
11. حسن حسن‌زاده آملی، *فصل الحکیمیة فی کلمة الفاطمیة*.
12. محمد رضا شرفی، *خانواده متعادل (آناتومی خانواده)*، ص 64.
13. جان گری، *خواستۀ زن‌ها و مردها*، ترجمه رامین شهبازی، ص 312.
14. همان، ص 172.
15. محمد بن حسن حرّ عاملی، *وسایل الشیعه*، ج 20، ص 39.
16. تاج‌الدین شعیری، *جامع الاخبار*، ص 158.
17. محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج 5، ص 509.
18. احمد بهشتی، *خانواده در قرآن*، ص 114.
19. محمد حسین طباطبایی، *تفسیر المیزان*، ج 4، ص 371.
20. حسین نوری، *مستدرک الوسائل*، ج 11، ص 86.
21. محمد بن حسن حرّ عاملی، *وسایل الشیعه*، ج 20، ص 169.
22. محمد باقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج 100، ص 224.
23. محمد محمدی ری‌شهری، *میزان الحکمه*، ج 4، ص 2880.
24. محمد بن حسین، (شیخ بهایی)، *مفتاح الفلاح*، ص 175.
25. حسین نوری، *مستدرک الوسائل*، ج 14، ص 251.
26. حسن طبرسی، *مکارم الاخلاق*، ص 217.

27. همان، ج 20، ص 64.

28. نهج البلاغه، نامه 31.

29. محمد بن علی صدوق، امالی، ص 206.

30. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج 5، ص 518.

31. همان، ج 5، ص 338.

32. همان، ج 20، ص 172.

33. همان، ج 29، ص 172.



منابع

- بهایی، (شیخ بهایی) محمدبن حسین، *مفتاح الفلاح*، بیروت، دار الاضواء، 1405 ق.
- بهشتی، احمد، *خانواده در قرآن*، قم، بوستان کتاب، 1377، ص 114.
- پیز، آلن و باربارا آن چه زنان و مردان نمی دانند، ترجمه زهرا افتخاری، تهران، نواندیش، 1384، ص 87.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن، *وسایل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البیت، 1409 ق.
- حسن زاده آملی، حسن، *فصل الحکیمیه فی کلمه الفاطمیه*.
- باربارا دو آنجلس، *دفترچه راهنمای طرز استفاده از مردان*، ترجمه مریم زرینی، تهران، نشر آسیم، 1384.
- شرفی، محمدرضا، *خانواده متعادل (آناتومی خانواده)*، چ هفتم، تهران، انجمن اولیا و مربیان، 1381.
- شعیری، تاج الدین، *جامع الاخبار*، قم، رضی، 1363.
- صدوق، محمد بن علی، *امالی*، قم، کتابخانه اسلامی، 1364.
- طبرسی، حسن، *مکارم الاخلاق*، قم، رضی، 1412 ق.
- طوسی، محمد بن الحسن، *تهذیب الاحکام*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، 1365.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، 1365 ق.
- گری، جان نیاز زنها، *خواسته مردها*، ترجمه ندا شاد نظر، تهران، عقیل، 1384.
- گری، جان، *خواسته زنها و مردها*، ترجمه رامین شهبازی، تهران، نقش سیمرغ، 1388.
- مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفا، 1404 ق.
- نوری، حسین، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل البیت، 1408 ق.